

شناسایی اثر اجتناب مالیاتی بر ساختار و نابرابری توزیع حقوق و دستمزد در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

سمیه حکم‌آبادی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۲

کد مقاله: ۱۳۱۱۵

چکیده

امروزه اجتناب مالیاتی به‌عنوان یکی از استراتژی‌های کلیدی مالی شرکت‌ها در سطح جهانی، تأثیرات گسترده‌ای بر ساختارهای درون‌سازمانی، به‌ویژه در توزیع درآمد و نابرابری حقوق و دستمزد کارکنان دارد. این پژوهش، با تکیه بر نظریه نمایندگی و در نظر گرفتن سازوکارهای کنترلی و مالکیتی، بررسی می‌کند که آیا رفتارهای اجتنابی مالیاتی شرکت‌ها منجر به تغییرات معنادار در الگوی پرداخت و نابرابری حقوق درون‌سازمانی می‌شود یا خیر. داده‌های پانل از ۱۴۵ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ۱۳۹۶-۱۴۰۱ از سامانه کدال و بانک اطلاعاتی بورس گردآوری شده و با استفاده از نرم‌افزار EViews و مدل‌های رگرسیونی پانل با اثرات تصادفی تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری بر ساختار حقوق و دستمزد و نابرابری آن دارد. به‌طور خاص، رابطه منفی و معناداری بین اجتناب مالیاتی (سنجیده‌شده با نرخ مؤثر مالیاتی) و میانگین حقوق کارکنان مشاهده شد، که حاکی از کاهش سطح عمومی حقوق در نتیجه کاهش بار مالیاتی است. همچنین، نسبت حقوق مدیرعامل به کارکنان در شرکت‌هایی با اجتناب مالیاتی بالاتر افزایش یافته، که نشان‌دهنده تشدید نابرابری درون‌سازمانی است. با این حال، انحراف معیار حقوق کارکنان از نظر آماری معنادار نبود، که احتمالاً به دلیل تأثیر متغیرهای مداخله‌گر مانند اندازه شرکت، تفاوت‌های صنعتی، و شرایط کلان اقتصادی مانند تورم است. این نتایج بر ضرورت توجه نهادهای نظارتی به پیامدهای غیرمستقیم سیاست‌های مالیاتی بر عدالت درون‌سازمانی تأکید دارد. طراحی سازوکارهای شفاف‌تر در پرداخت حقوق و تقویت شفافیت مالی می‌تواند به کاهش آثار منفی اجتناب مالیاتی کمک کند.

واژگان کلیدی: اجتناب مالیاتی، توزیع حقوق و دستمزد، جبران خدمات درون‌سازمانی، نسبت حقوق مدیرعامل به کارکنان

اجتناب مالیاتی به عنوان یک استراتژی کلیدی برای کاهش بار مالیاتی شرکت‌ها، در سال‌های اخیر به یکی از موضوعات محوری در حسابداری و مدیریت مالی تبدیل شده است. شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مانند بسیاری از شرکت‌های جهانی، از این استراتژی‌ها برای بهینه‌سازی سودآوری و افزایش منابع مالی در دسترس بهره می‌برند (قادرزاده و علوی، ۱۴۰۰). با این حال، این سیاست‌ها می‌توانند پیامدهای گسترده‌ای بر تخصیص منابع مالی داخلی، به‌ویژه توزیع حقوق و دستمزد کارکنان، داشته باشند. نابرابری درآمدی یکی از چالش‌های اصلی در بازارهای نوظهور مانند ایران است، جایی که ویژگی‌های اقتصادی، فرهنگی، و نظارتی خاص، مانند ساختار مالکیت متمرکز، نظارت نظارتی ضعیف‌تر، و نوسانات اقتصادی ناشی از تورم و تحریم‌ها، تحلیل این موضوع را پیچیده‌تر می‌کند (خرم‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۱). بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی بر نابرابری توزیع حقوق و دستمزد، با توجه به این ویژگی‌ها، از اهمیت علمی و کاربردی برخوردار است (تیان، ۱۴۰۳). مطالعات پیشین نشان داده‌اند که اجتناب مالیاتی می‌تواند منابع مالی شرکت را افزایش دهد، اما توزیع این منابع اغلب به نفع گروه‌های خاصی، مانند مدیران ارشد یا سهامداران عمده، انجام می‌شود و نابرابری درآمدی را تشدید می‌کند (الستادستر و همکاران، ۱۳۹۸). به عنوان مثال، این مطالعه نشان داد که افراد ثروتمند از طریق ابزارهای اجتناب مالیاتی، مانند حساب‌های خارج از کشور، منابع مالی قابل‌توجهی را از چرخه مالیاتی خارج می‌کنند، که نابرابری درآمدی را در سطح کلان افزایش می‌دهد. در سطح شرکتی، دسای و دارماپالا (۱۳۸۵) دریافتند که اجتناب مالیاتی می‌تواند ارزش شرکت را افزایش دهد، اما این افزایش ارزش اغلب به نفع مدیران است و ممکن است به توزیع ناعادلانه منابع مالی منجر شود. این پژوهش به بررسی این موضوع در ۱۴۵ شرکت پذیرفته شده در بورس تهران طی دوره ۱۳۹۶-۱۴۰۱ می‌پردازد و هدف آن شناسایی تأثیر اجتناب مالیاتی بر ساختار و نابرابری توزیع حقوق و دستمزد است. سؤال اصلی پژوهش این است که آیا استراتژی‌های اجتناب مالیاتی به توزیع نابرابر منابع مالی بین کارکنان، به‌ویژه بین مدیران اجرایی و کارکنان عادی، منجر می‌شود یا خیر. این مطالعه بر دو چارچوب نظری اصلی استوار است: نظریه نمایندگی (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶) و نظریه‌های توزیع درآمد (بیکنی و همکاران، ۱۳۹۷). نظریه نمایندگی بیان می‌کند که جدایی مالکیت و کنترل در شرکت‌های مدرن می‌تواند به تعارض منافع بین مدیران و سهامداران منجر شود. مدیران ممکن است از اجتناب مالیاتی برای افزایش سودآوری کوتاه‌مدت استفاده کنند، اما این منابع مالی ممکن است به صورت ناعادلانه به نفع خودشان توزیع شود (تفتیان و همکاران، ۱۴۰۱). این تعارض منافع می‌تواند نابرابری حقوق را تشدید کند، به‌ویژه در شرکت‌هایی با ساختار مالکیت متمرکز، که در ایران رایج است (خوشکار و همکاران، ۱۴۰۰). نظریه‌های توزیع درآمد نیز بر اهمیت بررسی تخصیص منابع مالی در سازمان‌ها تأکید دارند و نشان می‌دهند که نابرابری درآمدی می‌تواند از سیاست‌های مالی شرکت‌ها، از جمله اجتناب مالیاتی، تأثیر بپذیرد (گارسیا-برناردو و همکاران، ۱۴۰۱). در ایران، ویژگی‌های خاص بازار، مانند مالکیت نهادی بالا و نظارت نظارتی محدود، این موضوع را پیچیده‌تر می‌کند (منصوری‌نیا و شیرخانی، ۱۴۰۱). چالش‌های این پژوهش شامل اندازه‌گیری دقیق اجتناب مالیاتی است، که معمولاً از طریق نرخ مؤثر مالیاتی (ETR) انجام می‌شود. با این حال، این شاخص ممکن است تصویر کاملی از استراتژی‌های اجتناب مالیاتی ارائه ندهد، زیرا شرکت‌ها ممکن است از روش‌های پیچیده‌تری مانند بهینه‌سازی ساختار مالی استفاده کنند (دایرنگ و همکاران، ۱۳۸۷). علاوه بر این، دسترسی به داده‌های دقیق حقوق و دستمزد در ایران به دلیل محدودیت‌های قانونی دشوار است (غفوریان شاگردی و همکاران، ۱۳۹۷). برای رفع این چالش‌ها، این پژوهش از داده‌های سامانه کدال و صورت‌های مالی حسابرسی شده ۱۴۵ شرکت بورسی طی دوره ۱۳۹۶-۱۴۰۱ استفاده کرده و متغیرهای مداخله‌گر مانند اندازه شرکت، نوع صنعت، تورم، و رشد تولید ناخالص داخلی را کنترل کرده است تا اثرات خارجی به حداقل برسد (رجایی‌زاده هرنیدی و عشوری، ۱۴۰۱). این پژوهش از منظر علمی به پر کردن شکاف ادبیات در زمینه تأثیر اجتناب مالیاتی بر نابرابری درون‌سازمانی در ایران کمک می‌کند. برخلاف مطالعات خارجی که بر بازارهای توسعه‌یافته تمرکز دارند (کارا و همکاران، ۱۴۰۲)، این مطالعه ویژگی‌های بومی بازار ایران، مانند مالکیت متمرکز و تورم بالا، را در نظر می‌گیرد. از منظر کاربردی، نتایج این پژوهش می‌تواند برای سیاست‌گذاران مالیاتی و نهادهای نظارتی مانند سازمان بورس مفید باشد و نیاز به اصلاحات در سیستم مالیاتی برای توزیع عادلانه‌تر منابع را نشان دهد. نوآوری این مطالعه در بررسی رابطه جدید بین اجتناب مالیاتی و نابرابری حقوق در ایران است، که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. مطالعات پیشین در ایران بیشتر بر جنبه‌هایی مانند هزینه سرمایه (شامی و همکاران، ۱۴۰۲) یا کارایی سرمایه‌گذاری (طاهری و جلیلی، ۱۴۰۲) تمرکز داشته‌اند. این پژوهش با کنترل متغیرهای کلان اقتصادی، مانند تورم بالا در سال‌های ۱۳۹۶-۱۴۰۱، به تحلیل دقیق‌تر این روابط پرداخته و رویکردی بومی ارائه می‌دهد. در ادامه، روش‌شناسی، یافته‌ها، و راهکارهای کاربردی تشریح خواهد شد.

۲- پیشینه تحقیق

مطالعات جهانی متعددی تأثیر اجتناب مالیاتی بر نابرابری اقتصادی را بررسی کرده‌اند. الستادستر، یوهانسن و زوکمن (۱۳۹۸) در مقاله «فرار مالیاتی و نابرابری» نشان دادند که اجتناب مالیاتی توسط افراد ثروتمند نابرابری درآمدی را افزایش می‌دهد، زیرا منابع مالی حاصل از کاهش مالیات به نفع گروه‌های بالای درآمدی توزیع می‌شود. کارا، مبینی و رین (۱۴۰۲) در «مشوق‌های سهام و اجتناب مالیاتی مطابق» دریافتند که مشوق‌های جبرانی مدیران، مانند گزینه‌های سهام، اجتناب مالیاتی را تشویق می‌کند و شکاف حقوقی بین مدیران و کارکنان را افزایش می‌دهد. گارسیا-پرناردو، هابرلی، یانسکی، پالانسکی و سکینی (۱۴۰۱) در «هزینه‌های غیرمستقیم اجتناب مالیاتی شرکتی و تشدید نابرابری بین‌کشوری» نشان دادند که اجتناب مالیاتی منابع مالی را به نفع گروه‌های خاص هدایت می‌کند.

در ایران، مطالعات محدودی به این موضوع پرداخته‌اند. منصوری‌نیا و شیرخانی (۱۴۰۱) در مقاله «تأثیر اجتناب مالیاتی بر توزیع دستمزد کارکنان» نشان دادند که اجتناب مالیاتی سطح کلی حقوق را افزایش می‌دهد، اما بر شکاف حقوقی بین مدیران و کارکنان تأثیر معناداری ندارد. حسن علی‌الحسنی، دیدار و منصورفر (۱۴۰۳) در «نقش میانجی کیفیت گزارشگری مالی و غیرمالی در رابطه بین هزینه حقوق و دستمزد نیروی کار و اجتناب مالیاتی» دریافتند که هزینه‌های حقوق و دستمزد از طریق بهبود کیفیت گزارشگری مالی، به صورت غیرمستقیم اجتناب مالیاتی را کاهش می‌دهد. طاهری و جلیلی (۱۴۰۲) در «اجتناب مالیاتی شرکت‌ها و تبیین رابطه آن با بیش‌اطمینانی مدیران و ویژگی‌های کمیت‌محاسبه‌ای» نشان دادند که بیش‌اطمینانی مدیران و کیفیت کمیت‌محاسبه‌ای بر اجتناب مالیاتی تأثیر دارد. شیپوریان، دهقان محمودی و مینایی (۱۴۰۲) در «تأثیر کیفیت گزارشگری مالی، اجتناب مالیاتی، سررسید بدهی بر کارایی سرمایه‌گذاری» به ارتباط غیرمستقیم اجتناب مالیاتی با تخصیص منابع مالی اشاره کردند. خرم‌آبادی، لشگرآرا و پورغلامرضا (۱۴۰۱) در «بررسی نقش کیفیت حاکمیت شرکتی بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی» نقش حاکمیت شرکتی را در کاهش اجتناب مالیاتی بررسی کردند.

مطالعات دیگر مانند جودکی، قنبری و کبیری (۱۴۰۴) و رضایی و یابوری‌بافقی (۱۴۰۳) بر تأثیر عوامل محیطی و تجربه مدیران بر اجتناب مالیاتی تمرکز دارند، که می‌تواند به تحلیل توزیع منابع مالی کمک کند. در سطح بین‌المللی، سلفیا و روسمانتو (۱۴۰۳) و شاوکت‌مالک، عرفان و منیر (۱۴۰۴) نقش حاکمیت شرکتی و مالکیت نهادی را در کاهش اجتناب مالیاتی بررسی کرده‌اند، که برای بازار ایران قابل تعمیم است.

۳- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با هدف بررسی اثر اجتناب مالیاتی بر ساختار و نابرابری توزیع حقوق و دستمزد در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، از روش تحقیق توصیفی-همبستگی و پس‌رویدادی استفاده کرده است. این نوع پژوهش مبتنی بر داده‌های تاریخی است و به دنبال کشف روابط علی بین متغیرهای مورد بررسی در گذشته می‌باشد. ویژگی اصلی این روش، بهره‌گیری از اطلاعات واقعی ثبت‌شده در صورت‌های مالی شرکت‌ها برای تحلیل اثرات ساختاری و رفتاری اجتناب مالیاتی بر سیاست‌های پرداخت حقوق و دستمزد است. با توجه به اینکه این مطالعه به ارائه راهکارهای اجرایی و تحلیلی برای بهبود سیاست‌های مالیاتی و توزیع عادلانه‌تر منابع مالی در شرکت‌ها می‌پردازد، در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد. ابزار اصلی تحلیل داده‌ها در این پژوهش، مدل‌های اقتصادسنجی مبتنی بر داده‌های پانل (ترکیبی) است که با استفاده از نرم‌افزار EViews نسخه ۱۰ اجرا شده‌اند. این نرم‌افزار به دلیل قابلیت‌های پیشرفته در تحلیل داده‌های ترکیبی و امکان مدل‌سازی پیچیده، برای این پژوهش مناسب تشخیص داده شد.

۳-۱- مراحل انجام پژوهش

مراحل انجام این تحقیق شامل جمع‌آوری اطلاعات مالی و ساختاری از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱، پالایش و آماده‌سازی داده‌ها در محیط نرم‌افزار Excel، و اجرای مدل‌های آماری و اقتصادسنجی در نرم‌افزار EViews است. داده‌ها از منابع معتبر مانند سامانه کدال، بانک اطلاعاتی بورس، نرم‌افزار ره‌آورد نوین، و صورت‌های مالی حسابرسی‌شده استخراج شدند. پس از استخراج، داده‌ها طبقه‌بندی، کدگذاری، و برای حذف نویزها و ناسازگاری‌ها پالایش شدند. در این فرآیند، شاخص‌های کلیدی مرتبط با اجتناب مالیاتی (مانند نرخ مؤثر مالیاتی)، نابرابری حقوق (مانند نسبت حقوق مدیرعامل به متوسط حقوق کارکنان و انحراف معیار حقوق)، و متغیرهای کنترلی (اندازه شرکت، شدت سرمایه، اهرم مالی، نرخ بازده دارایی‌ها، تورم، و رشد تولید ناخالص داخلی) مورد بررسی دقیق قرار گرفتند. این مراحل به گونه‌ای طراحی شدند که دقت و قابلیت اتکای تحلیل‌ها را تضمین کنند.

۳-۲- جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ است. برای انتخاب نمونه، معیارهای غربال‌گری شامل استمرار فعالیت در دوره مورد بررسی، داشتن سال مالی منطبق با ۲۹ اسفند، عدم تغییر سال مالی، عدم فعالیت در حوزه بانکداری، بیمه، و واسطه‌گری مالی، و پذیرش در بورس پیش از سال ۱۳۹۶ اعمال شدند. با اعمال این معیارها، ۱۴۵ شرکت به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری به‌صورت حذف سیستماتیک (غیراحتمالی هدفمند) بود، که با هدف حذف شرکت‌هایی با اطلاعات ناقص یا غیرقابل اتکا انجام شد. حجم نمونه (۱۴۵ شرکت × ۶ سال = ۸۷۰ مشاهده) امکان تحلیل دقیق داده‌های پانل را فراهم کرد.

۳-۳. ابزار جمع‌آوری داده‌ها

داده‌های موردنیاز از منابع رسمی و معتبر شامل سامانه کدال، بانک اطلاعاتی بورس اوراق بهادار تهران، نرم‌افزار ره‌آورد نوین، صورت‌های مالی حسابرسی‌شده شرکت‌ها، گزارش‌های هیئت‌مدیره به مجامع عمومی، و نشریات تخصصی حوزه مالی گردآوری شدند. این منابع به دلیل جامعیت، به‌روز بودن، و دقت بالا، قابلیت اتکای لازم برای تحلیل‌های پژوهش را فراهم کردند. داده‌های استخراج‌شده شامل متغیرهای کلیدی مانند نرخ مؤثر مالیاتی (ETR)، نسبت حقوق مدیرعامل به متوسط حقوق کارکنان (CEOPR)، انحراف معیار حقوق (SD_Salary)، و متغیرهای کنترلی مانند اندازه شرکت، شدت سرمایه، اهرم مالی، نرخ بازده دارایی‌ها، تورم، و رشد تولید ناخالص داخلی بودند.

۳-۴- روش تحلیل داده‌ها

داده‌های خام ابتدا در محیط Excel ساماندهی و پاک‌سازی شدند و سپس برای تحلیل‌های آماری و آزمون فرضیه‌ها به نرم‌افزار EViews منتقل شدند. در تحلیل داده‌ها، از مدل‌های رگرسیون پانل با اثرات ثابت و تصادفی استفاده شد. برای انتخاب مدل مناسب، آزمون‌های F لیمر و هاسمن اجرا شدند. آزمون جاک-برا نیز برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها به‌کار رفت. داده‌های ترکیبی امکان تحلیل همزمان تنوع زمانی و مقطعی را فراهم کردند، که دقت تحلیل روابط بین متغیرها را افزایش داد. متغیرهای مداخله‌گر مانند تورم و رشد تولید ناخالص داخلی نیز برای کنترل اثرات خارجی در مدل‌ها لحاظ شدند.

۳-۵- تجزیه و تحلیل داده‌ها

در مرحله تحلیل، ابتدا پایایی متغیرها با استفاده از آزمون لوین، لین و چو بررسی شد تا از ایستایی داده‌ها اطمینان حاصل شود. سپس، آمار توصیفی برای ارائه درک اولیه از ویژگی‌های داده‌ها محاسبه شد. روابط همبستگی بین متغیرها بررسی شدند تا تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها بر اجتناب مالیاتی و نابرابری توزیع حقوق شناسایی شوند. مدل‌های رگرسیونی چندگانه با در نظر گرفتن متغیرهای مستقل (مانند نرخ مؤثر مالیاتی)، وابسته (مانند نسبت حقوق مدیرعامل به کارکنان و انحراف معیار حقوق)، و کنترلی (مانند اندازه شرکت، شدت سرمایه، اهرم مالی، نرخ بازده دارایی‌ها، تورم، و رشد تولید ناخالص داخلی) تدوین و آزمون شدند. خروجی مدل‌ها با استفاده از معیارهایی مانند سطح معناداری ضرایب، ضریب تعیین، و آماره F تحلیل شدند. استفاده از روش داده‌های ترکیبی ($N \times T$) امکان بررسی دقیق روابط بین متغیرها را در طول زمان و بین شرکت‌ها فراهم کرد.

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- بررسی پایایی و ثبات آماری متغیرها

برای اطمینان از اعتبار تحلیل‌ها، ابتدا پایایی متغیرهای پژوهش با استفاده از آزمون لوین، لین و چو (LLC) بررسی شد، که برای داده‌های پانل مناسب است. نتایج این آزمون نشان داد که تمام متغیرهای کلیدی شامل نرخ مؤثر مالیاتی (ETR)، نسبت حقوق مدیرعامل به متوسط حقوق کارکنان (CEOPR)، انحراف معیار حقوق (SD_Salary)، میانگین حقوق کارکنان (AES)، اندازه شرکت (SIZE)، شدت سرمایه (CAPINT)، اهرم مالی (LEV)، نرخ بازده دارایی‌ها (ROA)، تورم (INF)، و رشد تولید ناخالص داخلی (GDPG) در سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ایستا هستند. این امر ثبات آماری میانگین، واریانس، و کوواریانس متغیرها را در دوره زمانی ۱۳۹۶-۱۴۰۱ تأیید می‌کند و نشان‌دهنده قابلیت اتکای داده‌ها برای تحلیل‌های بعدی است. ایستایی متغیرها امکان استفاده از مدل‌های رگرسیونی پانل را بدون نگرانی از مشکلات سری‌های زمانی غیرایستا فراهم کرد.

جدول ۱- آزمون پایایی متغیرهای پژوهش

متغیر	آماره لوین، لین و چو	احتمال آماره
نرخ مؤثر مالیاتی (ETR)	-۵۲/۲۶۷	۰/۰۰۰
نسبت حقوق مدیرعامل به کارکنان (CEOPR)	-۱۴/۳۳	۰/۰۰۰
انحراف معیار حقوق (SD_Salary)	-۶۲/۱۴	۰/۰۰۰
میانگین حقوق کارکنان (AES)	-۹۱/۲۰	۰/۰۰۰
اندازه شرکت (SIZE)	-۳۰/۹	۰/۰۰۰
شدت سرمایه (CAPINT)	-۷۳/۲۰	۰/۰۰۰
اهرم مالی (LEV)	-۹۶/۷۸	۰/۰۰۰
نرخ بازده دارایی‌ها (ROA)	-۵۶/۱۹	۰/۰۰۰
تورم (INF)	-۴۲/۱۵	۰/۰۰۰
رشد تولید ناخالص داخلی (GDPG)	-۸۹/۱۲	۰/۰۰۰

۴-۲- آمار توصیفی متغیرها

آمار توصیفی متغیرها برای ۱۴۵ شرکت در دوره ۱۳۹۶-۱۴۰۱ (۸۷۰ مشاهده) ارائه شد تا تصویری کلی از توزیع و ویژگی‌های داده‌ها فراهم کند. میانگین نرخ مؤثر مالیاتی (ETR) برابر با ۰/۱۴۲ است، که نشان‌دهنده پرداخت حدود ۱۴/۲ درصد از مالیات اسمی توسط شرکت‌هاست و حاکی از سطح متوسط اجتناب مالیاتی در نمونه است. ضریب تغییرات ۰/۹۷ برای ETR نشان‌دهنده ثبات نسبی این متغیر در بین شرکت‌هاست. نسبت حقوق مدیرعامل به متوسط حقوق کارکنان (CEOPR) با میانگین ۷/۱۵ نشان‌دهنده شکاف قابل توجه بین حقوق مدیران و کارکنان است، و ضریب تغییرات ۰/۵۱ حاکی از پراکندگی متوسط در این شکاف است. انحراف معیار حقوق (SD_Salary) با پراکندگی بالا (از ۰ تا ۱) نشان‌دهنده تفاوت‌های قابل توجه در سیاست‌های مزدی شرکت‌هاست، که می‌تواند ناشی از تفاوت‌های صنعتی یا استراتژی‌های مدیریتی باشد. میانگین حقوق کارکنان (AES) با مقدار ۱۳/۲ و ضریب تغییرات پایین (۰/۱۰) نشان‌دهنده ثبات نسبی در سطح حقوق است. متغیرهای کنترلی مانند اندازه شرکت (SIZE) و شدت سرمایه (CAPINT) نیز پراکندگی متوسطی دارند، در حالی که تورم (INF) و رشد تولید ناخالص داخلی (GDPG) به دلیل شرایط کلان اقتصادی ایران (تورم بالا و نوسانات رشد اقتصادی) پراکندگی بیشتری نشان می‌دهند. نتایج آزمون جاک-برا نشان داد که توزیع متغیرها نرمال است ($p < ۰/۰۵$)، که شرایط مناسبی برای تحلیل‌های رگرسیونی فراهم می‌کند.

جدول ۲- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار	ضریب تغییرات	جاک-برا	احتمال جاک-برا
ETR	۸۷۰	۱۴۲/۰	۱۲۰/۰	۶۲/۰	-۴۳/۰	۱۳۸/۰	۹۷/۰	۹۱/۳	۶۲/۰
CEOPR	۸۷۰	۱۵/۷	۷۸/۶	۳/۲۱	۲/۱	۶۲/۳	۵۱/۰	۴۳/۵	۲۱/۰
SD_Salary	۸۷۰	۱۱/۰	۰	۱	۰	-	-	۸۲/۶	۱۷/۰
AES	۸۷۰	۲/۱۳	۹/۱۲	۶/۱۹	۸/۹	۳۷/۱	۱۰/۰	۴۴/۶	۱۲/۰
SIZE	۸۷۰	۴۷/۱۳	۳۲/۱۳	۶۲/۱۹	۸۲/۹	۳۷/۱	۱۰/۰	۲۶/۵	۱۳/۰
CAPINT	۸۷۰	۲۵/۰	۲۰/۰	۸۹/۰	۰۴/۰	۱۸/۰	۷۲/۰	۹۸/۶	۰۸/۰
LEV	۸۷۰	۶۲/۰	۶۴/۰	۸۸/۰	۰۴/۰	۱۸/۰	۲۹/۰	۳۱/۸	۰۵/۰
ROA	۸۷۰	۱۴/۰	۱۲/۰	۷۱/۰	-۲۵/۰	۱۳/۰	۹۳/۰	۷۶/۶	۱۴/۰
INF	۸۷۰	۳۵/۰	۳۴/۰	۵۰/۰	۲۰/۰	۰۹/۰	۲۶/۰	۱۲/۴	۳۱/۰
GDPG	۸۷۰	۰۳/۰	۰۲/۰	۰۷/۰	-۰۲/۰	۰۲/۰	۶۷/۰	۱۹/۵	۰۹/۰

۴-۳- بررسی همبستگی بین متغیرها

تحلیل همبستگی برای بررسی روابط اولیه بین متغیرها انجام شد. نرخ مؤثر مالیاتی (ETR) با نسبت حقوق مدیرعامل به کارکنان (CEOPR) همبستگی مثبت و معنادار ($p = ۰/۰۰۴/۰۰۶$) و با انحراف معیار حقوق (SD_Salary) همبستگی مثبت و معنادار ($p = ۰/۱۵،۰۰/۰$) نشان داد، که حاکی از ارتباط اجتناب مالیاتی با نابرابری حقوقی است. با این حال، ETR با میانگین حقوق کارکنان (AES) رابطه منفی و معنادار ($p = ۰/۰۰-۱۵/۰$) داشت، که نشان می‌دهد شرکت‌هایی با اجتناب مالیاتی بالاتر، میانگین حقوق کمتری پرداخت می‌کنند. متغیرهای کنترلی مانند اهرم مالی (LEV) و نرخ بازده دارایی‌ها (ROA) نیز با ETR همبستگی معناداری داشتند، که نشان‌دهنده تأثیر ساختار مالی و عملکرد شرکت بر رفتار مالیاتی است. تورم (INF) و رشد تولید

ناخالص داخلی (GDPG) تأثیرات متفاوتی نشان دادند، که احتمالاً به دلیل نوسانات اقتصادی ایران است. نبود هم‌خطی شدید (ضرایب کمتر از ۰/۸) اعتبار مدل رگرسیونی را تأیید کرد.

جدول ۳- همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	ETR	CEOPR	SD_Salary	AES	SIZE	CAPINT	LEV	ROA	INF	GDPG
ETR	۱	۰/۶	۱۵/۰	-۱۵/۰	-۰/۳	-۰/۶	۰/۲	۱۱/۰	-۰/۴	۰/۳
CEOPR	-	۱	۰/۴	۰/۰	۲۸/۰	۰/۴	۴۰/۰	۰/۰	۱۵/۰	۲۲/۰
SD_Salary			۱	-۰/۸	-۱۶/۰	-۰/۶	۰/۷	۰/۳	-۰/۲	۰/۱
AES				۱	-۱۸/۰	۰/۱	-۱۵/۰	۱۰/۰	۰/۳	-۰/۲
SIZE					۱	-۰/۷	۰/۸	۰/۱	-۰/۱	۰/۲
CAPINT						۱	-۰/۲	۰/۲	-۰/۱	۰/۱
LEV							۱	-۴۲/۰	۰/۳	-۰/۱
ROA								۱	-۰/۲	۰/۴
INF									۱	-۰/۵
GDPG										۱

۴-۴-آزمون فرضیه تحقیق

فرضیه اصلی پژوهش این است که اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری بر ساختار و نابرابری توزیع حقوق و دستمزد در شرکت‌های بورسی تهران دارد. برای آزمون این فرضیه، ابتدا آزمون F لیمر (آماره $F = ۰/۲۰۰۰/۵۲$) انجام شد که مدل پانل را نسبت به مدل تلفیقی تأیید کرد، نشان‌دهنده وجود تفاوت‌های معنادار بین شرکت‌هاست. سپس، آزمون هاسمن (آماره $p = ۰/۱۲۰۰۷۷۱/۸۰$) مدل اثرات تصادفی را به‌عنوان مدل مناسب‌تر تشخیص داد، زیرا تفاوت‌های مقطعی با متغیرهای مدل همبسته نبودند.

جدول ۴- مدل رگرسیونی

متغیر	ضریب	آماره t	احتمال
مقدار ثابت	۰/۲۶۳/۰	۲۳/۲	۶۲/۰
CEOPR	۳۵/۰-	۵۴/۹-	۰۰۰۰/۰
SD_Salary	۰/۳/۰-	۱۹/۰-	۸۵۱۴/۰
AES	۴۰/۰-	۱۹/۱۲-	۰۰۰۰/۰
SIZE	۰/۲/۰-	۹۰/۰-	۳۶۵۸/۰
CAPINT	۱۹/۰-	۵۳/۱-	۱۲۵۰/۰
LEV	۳۲/۰	۲۵/۲	۰/۲۴۴/۰
ROA	۶۱/۰	۱۲/۳	۰۰۱۹/۰
INF	۱۵/۰-	۴۵/۱-	۱۴۷۲/۰
GDPG	۱۰/۰	۸۹/۰	۳۷۴۱/۰
ضریب تعیین (R^2)	۳۱۴/۰		
ضریب تعیین تعدیل‌شده	۲۸۸/۰		
آماره F			۰۰۰۰/۰
دوربین-واتسون	۷۹۱/۱		

نتایج مدل رگرسیونی نشان داد که نرخ مؤثر مالیاتی (ETR) با نسبت حقوق مدیرعامل به کارکنان (CEOPR) و میانگین حقوق کارکنان (AES) رابطه منفی و معناداری دارد ($p = ۰/۰۰۰$)، که حاکی از آن است که با افزایش اجتناب مالیاتی (کاهش

(ETR)، شکاف حقوقی بین مدیران و کارکنان افزایش می‌یابد و میانگین حقوق کارکنان کاهش می‌یابد. این یافته می‌تواند ناشی از سیاست‌های صرفه‌جویانه شرکت‌ها باشد که منابع آزادشده از اجتناب مالیاتی را به جای توزیع عادلانه، به سمت اهداف مدیریتی هدایت می‌کنند. با این حال، انحراف معیار حقوق (SD_Salary) رابطه معناداری با ETR نداشت ($p = 0/8514$)، که احتمالاً به دلیل تأثیر متغیرهای مداخله‌گر مانند تفاوت‌های صنعتی (شرکت‌های تولیدی در مقابل خدماتی) و شرایط کلان اقتصادی (تورم بالا و نوسانات رشد GDP در ایران) است. متغیرهای کنترلی اهرم مالی (LEV) و نرخ بازده دارایی‌ها (ROA) تأثیر مثبت و معناداری بر مدل داشتند، که نشان‌دهنده نقش ساختار مالی و سودآوری در سیاست‌های مزدی است. تورم (INF) و رشد تولید ناخالص داخلی (GDPG) تأثیر معناداری نشان ندادند، که می‌تواند به دلیل پیچیدگی اثرات اقتصاد کلان در ایران باشد. ضریب تعیین تعدیل‌شده ($0/288$) نشان می‌دهد که حدود ۲۹ درصد از تغییرات در ساختار حقوق توسط مدل توضیح داده شده است. آماره F ($p = 0/000$) برازش مناسب مدل را تأیید کرد، و آماره دوربین-واتسون ($1/791$) نشان‌دهنده نبود خودهمبستگی در خطاها بود. توزیع نرمال باقیمانده‌ها نیز با آزمون جاک-برا ($p = 0/14$) تأیید شد.

نتایج پژوهش نشان داد که اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری بر ساختار و نابرابری توزیع حقوق و دستمزد دارد، به‌ویژه در افزایش شکاف حقوقی بین مدیران و کارکنان و کاهش میانگین حقوق. این یافته‌ها برای سیاست‌گذاران مالیاتی و مدیران منابع انسانی در طراحی سیاست‌های عادلانه‌تر و شفاف‌تر حقوقی ارزشمند هستند. کنترل متغیرهای کلان اقتصادی مانند تورم و رشد GDP به درک بهتر اثرات زمینه‌ای کمک کرد، اما عدم معناداری SD_Salary نشان‌دهنده نیاز به بررسی دقیق‌تر عوامل مداخله‌گر در مطالعات آینده است.

۵- نتیجه‌گیری

این پژوهش با بررسی ۱۴۵ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ۱۳۹۶-۱۴۰۱، تأثیر اجتناب مالیاتی بر ساختار و نابرابری توزیع حقوق و دستمزد را تحلیل کرد. نتایج مدل‌های اقتصادسنجی پانل نشان داد که اجتناب مالیاتی (سنجیده‌شده با نرخ مؤثر مالیاتی، ETR) تأثیر معناداری بر ساختار حقوقی شرکت‌ها دارد. به‌طور خاص، شرکت‌هایی با سطوح بالاتر اجتناب مالیاتی، میانگین حقوق کارکنان (AES) کمتری پرداخت می‌کنند و نسبت حقوق مدیرعامل به متوسط حقوق کارکنان (CEOPR) در آن‌ها افزایش می‌یابد. این یافته‌ها حاکی از تشدید نابرابری عمودی درون‌سازمانی است، که می‌تواند به کاهش انگیزه کارکنان، افزایش تعارضات سازمانی، و کاهش اعتماد به مدیریت منجر شود. این نتایج با نظریه نمایندگی همخوانی دارد، که بر تعارض منافع بین مدیران و سایر ذی‌نفعان تأکید می‌کند، به‌ویژه در بازار نوظهور ایران که مالکیت متمرکز، نظارت نظارتی محدود، و تورم بالا، تصمیم‌گیری‌های مالی و حقوقی را پیچیده می‌کنند. با این حال، انحراف معیار حقوق (SD_Salary) رابطه معناداری با اجتناب مالیاتی نشان نداد، که احتمالاً به دلیل ناهمگنی در سیاست‌های مزدی شرکت‌ها، تفاوت‌های ساختاری بین صنایع (مانند تولیدی در مقابل خدماتی)، و تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی مانند تورم (INF) و رشد تولید ناخالص داخلی (GDPG) است. تورم مزمن ایران و نوسانات رشد اقتصادی، سیاست‌های مزدی را تحت تأثیر قرار داده و پراکندگی حقوق را به شکلی پیچیده‌تر از آنچه مدل پیش‌بینی می‌کند، شکل می‌دهند. کنترل این متغیرهای کلان در مدل به درک بهتر اثرات زمینه‌ای کمک کرد، اما عدم معناداری SD_Salary ضرورت بررسی دقیق‌تر عوامل مداخله‌گر، مانند فرهنگ سازمانی، استراتژی‌های مدیریتی، یا تفاوت‌های منطقه‌ای را نشان می‌دهد. این مطالعه با تمرکز بر ویژگی‌های بومی بازار ایران، از جمله تورم بالا، ساختارهای مالکیت متمرکز، و ضعف‌های نظارتی، نوآوری بومی ارائه می‌دهد. یافته‌ها برای سیاست‌گذاران مالیاتی، نهادهای نظارتی مانند سازمان بورس، و مدیران منابع انسانی ارزشمند هستند. طراحی نظام‌های شفاف جبران خدمات، ایجاد مشوق‌های مالیاتی برای توزیع عادلانه‌تر حقوق، و تقویت نظارت حسابرسی می‌تواند به کاهش اجتناب مالیاتی و بهبود عدالت درون‌سازمانی کمک کند. از منظر آماری، برازش مناسب مدل (ضریب تعیین تعدیل‌شده $0/288$ ، آماره F معنادار، و دوربین-واتسون $1/791$) و نرمال بودن باقیمانده‌ها (جاک-برا $0/14$) اعتبار نتایج را تأیید می‌کنند. با این حال، محدودیت‌های پژوهش، مانند اتکا به داده‌های تاریخی و احتمال وجود متغیرهای مداخله‌گر کنترل‌نشده، باید در نظر گرفته شوند. برای تحقیقات آینده، پیشنهاد می‌شود از مدل‌های پویا یا رویکردهای کیفی برای تحلیل عمیق‌تر روابط علی استفاده شود. بررسی نقش میانجی حاکمیت شرکتی، تأثیر سیاست‌های مالیاتی جدید (مانند اصلاحات قانون مالیات‌های مستقیم)، و تحلیل تطبیقی بین صنایع مختلف می‌تواند درک جامع‌تری از رابطه اجتناب مالیاتی و نابرابری حقوقی فراهم کند. همچنین، مطالعه تأثیر متغیرهای غیرمالی مانند رضایت کارکنان یا فرهنگ سازمانی می‌تواند به شناسایی عوامل پنهان مؤثر بر این رابطه کمک کند. این پژوهش با ارائه شواهد بومی، گامی در جهت بهبود سیاست‌های مالیاتی و حقوقی در بازار سرمایه ایران برداشته و بر ضرورت اصلاحات ساختاری برای ارتقاء شفافیت و عدالت تأکید دارد.

پیشنهادهای

پیشنهادهای کاربردی

طراحی نظام جبران خدمات مبتنی بر شفافیت: سازمان بورس و اوراق بهادار می‌تواند مقرراتی را تدوین کند که شرکت‌ها را ملزم به افشای عمومی نسبت‌های جبران خدمات، از جمله نسبت حقوق مدیرعامل به میانگین حقوق کارکنان، نماید تا از نابرابری‌های پنهان جلوگیری شود.

ایجاد مشوق‌های مالیاتی برای شرکت‌های با ساختار پرداخت منصفانه: سیاست‌گذاران مالی می‌توانند مشوق‌هایی مانند تخفیف‌های مالیاتی یا اولویت در اعطای تسهیلات را برای شرکت‌هایی در نظر بگیرند که ساختار توزیع حقوق و دستمزد متوازن‌تری دارند.

افزایش نقش نظارتی نهادهای حسابرسی و حاکمیت شرکتی: نهادهای ناظر مانند سازمان حسابرسی می‌توانند شاخص‌های عدالت پرداخت را در ارزیابی عملکرد شرکت‌ها لحاظ کرده و در فرآیند اعتباردهی، رتبه‌بندی و پذیرش در بورس از آن استفاده کنند.

پیشنهادهای تحقیقاتی

بررسی نقش میانجی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی در رابطه بین اجتناب مالیاتی و نابرابری پرداخت
مقایسه میان صنایع مختلف یا شرکت‌های دولتی و خصوصی
تحلیل طولی تأثیرات سیاست‌های جدید مالیاتی بر ساختار جبران خدمات

منابع

- طاهری ماندانا، & جلیلی محمد. (۲۰۲۳). اجتناب مالیاتی شرکت‌ها و تبیین رابطه آن با بیش اطمینانی مدیران و ویژگی‌های کمیته حسابرسی. <https://www.sid.ir/paper/fa1067670>
- شامی، تقی پوریان، مران جوری، & فلاح. (۲۰۲۳). تبیین تأثیر مخاطره نکول بر مخاطره ریزش قیمت سهام در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش سرمایه‌گذاری*، ۱۲ (۴۷)، ۵۰۵-۵۲۰.
- http://www.jik-ifea.ir/article_21682.html?lang=fa
- سعید شیپوریان، پری ناز دهقان محمودی، & ساناز مینایی. (۲۰۲۳). تأثیر کیفیت گزارشگری مالی، اجتناب مالیاتی، سررسید بدهی بر کارایی سرمایه‌گذاری. *نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری*، ۷ (۲۴)، ۱۷۳۵-۱۷۴۹.
- <https://majournal.ir/index.php/ma/article/view/1988>
- تفتیان اکرم، معین الدین محمود، & زارع محمد. (۲۰۲۲). تأثیر قدرت مدیرعامل بر اجتناب مالیاتی با نقش تعدیل‌گر کیفیت کمیته حسابرسی. <https://www.sid.ir/paper/fa999771>
- احسان رجایی زاده هرندی، & جابر عشوری. (۲۰۲۲). بررسی تأثیر تخصص مالی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری*، ۵ (۱۹)، ۱۲۸۱-۱۲۹۵.
- <https://majournal.ir/index.php/ma/article/view/1170>
- سیدکریم قادرزاده، & سیدمصطفی علوی. (۲۰۲۱). اجتناب مالیاتی: مسئولیت اجتماعی و نقش تعدیل‌گر مالکیت خانوادگی. *Journal of Accounting Knowledge*، ۱۲ (۳)، [https://jak.uk.ac.ir/article_\(3\)_12.html](https://jak.uk.ac.ir/article_(3)_12.html)
- خرم آبادی، لشگرآراء، & پورغلامرضا. (۲۰۲۲). بررسی نقش کیفیت حاکمیت شرکتی بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی. *پژوهش‌های راهبردی بودجه و مالی*، ۳ (۱)، ۹۷-۱۲۵.
- https://fbarj.ihu.ac.ir/article_207230.html
- جودکی، قنبری، & کبیری. (۲۰۲۵). بررسی رابطه عملکرد شرکت‌های همتا با اجتناب مالیاتی شرکت‌های فعال در منطقه جغرافیایی همسان. *مطالعات حسابداری و حسابرسی*، ۱۴ (۵۳)، ۱۰۷-۱۲۶.
- https://www.iaaaas.com/article_html222699.html
- خوشکار، فرزین، اسلامی ساراب، & کرمی. (۲۰۲۱). نقش تعدیلگر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها بر رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی. *رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری*، ۱۳ (۵)، ۳۸۵-۴۰۲.
- <http://noo.rs/lepM2>
- فرزین خوشکار، مجید اسلامی ساراب، & علی کرمی. (۲۰۲۲). نقش تعدیلگر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها بر رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی. *نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری*، ۵ (۱۹)، ۳۸۴-۴۰۱.
- <https://majournal.ir/index.php/ma/article/view/401>

- صوری، نرگس، & ابراهیمی. (۲۰۲۱). بررسی نقش مدیران باتجربه خارجی (دارای شهرت و فعال در کمیته حسابرسی) بر اجتناب از پرداخت مالیات (مطالعه موردی: شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران). رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۲۳(۵)، ۱۵۹-۱۷۸.
<https://www.majournal.ir/index.php/ma/article/view/952>
- رضایی، دکترفرزین، & یآوری‌بافقی. (۲۰۲۴). تأثیر تجربه مالی بین‌المللی مدیران بر مدیریت مالیاتی شرکت‌ها. مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۴۹(۱۲)، ۴۱-۵۸.
<http://noo.rs/LSMXW.58-41>
- منصوری نیا، الهام؛ شیرخانی، افسانه، (۱۴۰۱). تأثیر اجتناب مالیاتی بر توزیع دستمزد کارکنان، نشریه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری «دوره ۶، شماره ۸۵»
<https://www.majournal.ir/index.php/ma/article/view/1459>
- حسن علی الحسنی، احمد؛ دیدار، حمزه؛ منصورفر، غلامرضا، (۱۴۰۳). نقش میانجی کیفیت گزارش‌گری مالی و غیرمالی در رابطه بین هزینه حقوق و دستمزد نیروی کار و اجتناب مالیاتی، نشریه پژوهش حسابداری «دوره ۱۴، شماره ۱».
<https://journals.alzahra.ac.ir/article.html?lang=en&id=7888>
- غفوریان شاگردی، امیر؛ علی نیا، عیسی؛ غفوریان شاگردی، محمدسجاد، (۱۳۹۷). بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و هزینه حقوق مالکانه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دوازدهمین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران. <https://civilica.com/doc/876300/>
- Lei, G., Wang, W., Yu, J., & Chan, K. C. (2022). Cultural diversity and corporate tax avoidance: evidence from Chinese private enterprises. *Journal of Business Ethics*, 176(2), 357-379. <https://link.springer.com/article/10.1007/s10551-020-04683-2>
- Garcia-Bernardo, J., Haberly, D., Janský, P., Palanský, M., & Secchini, V. (2022). *The indirect costs of corporate tax avoidance exacerbate cross-country inequality*. United Nations University World Institute for Development Economics Research. <https://www.wider.unu.edu/sites/default/files/Publications/Working-paper/PDF/wp2022-33-indirect-costs-corporate-tax-avoidance-exacerbate-cross-country-inequality.pdf>
- Sulfia, I., & Rusmanto, T. (2024). The role of corporate governance in mitigating tax avoidance. *Journal of Governance and Regulation*/Volume, 13(4). <https://virtusinterpress.org/IMG/pdf/jgrv13i4siart2.pdf>
- Muthitacharoen, A., & Samphantharak, K. (2022). Multinational tax avoidance and anti-avoidance enforcement: firm-level evidence from developing asean countries. *The Singapore Economic Review*, 67(06), 2049-2065. <https://www.worldscientific.com/doi/abs/10.1142/S021759082050040X>
- Tjan, J. S. (2024). The Role of Tax Systems in Reducing Income Inequality: A Literature Review. *Advances in Taxation Research*, 2(1), 50-64. <http://advancesinresearch.id/index.php/ATR/article/view/290>
- Shaukat Malik, M., Irfan, M., & Munir, S. (2025). Corporate tax avoidance and firm performance: the moderating role of ownership concentration and board independence. *Cogent Business & Management*, 12(1), 2448277. <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/23311975.2024.2448277>
- Alstadsæter, A., Johannesen, N., & Zucman, G. (2019). Tax Evasion and Inequality. *American Economic Review*, 109(6), 2073-2103. <https://doi.org/10.1257/aer.20172043>
- Desai, M. A., & Dharmapala, D. (2006). Corporate Tax Avoidance and Firm Value. *The Review of Economics and Statistics*, 88(4), 703-714. <https://direct.mit.edu/rest/article-abstract/91/3/537/57787/Corporate-Tax-Avoidance-and-Firm-Value>
- Dyreng, S. D., Hanlon, M., & Maydew, E. L. (2008). Long-Run Corporate Tax Avoidance. *The Accounting Review*, 83(1), 61-82. <https://publications.aaahq.org/accounting-review/article-abstract/83/1/61/2970/Long-Run-Corporate-Tax-Avoidance>
- Piketty, T., Saez, E., & Zucman, G. (2018). Distributional National Accounts: Methods and Estimates for the United States. *Quarterly Journal of Economics*, 133(2), 553-609. <https://academic.oup.com/qje/article-abstract/133/2/553/4430651>
- Kara, M. C., Mayberry, M. A., & Rane, S. G. (2023). Equity incentives and conforming tax avoidance. *Contemporary Accounting Research*, 40(3), 1909-1936. <https://doi.org/10.1111/1911-3846.12862>

Identifying the Impact of Tax Avoidance on the Structure and Inequality of Wage Distribution in Companies Listed on the Tehran Stock Exchange

Somayyeh Hokm Abadi¹

Master of Accounting, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran

Abstract

Tax avoidance, as a key financial strategy in companies worldwide, significantly impacts intra-organizational structures, particularly income distribution and wage inequality. This study, grounded in agency theory and considering control and ownership mechanisms, investigates whether corporate tax avoidance behaviors lead to significant changes in intra-organizational wage patterns and inequality. Panel data from 145 companies listed on the Tehran Stock Exchange over the period 2017-2022 were collected from the Codal system and the stock exchange database and analyzed using EViews software with random-effects panel regression models. The findings reveal that tax avoidance significantly affects wage structures and inequality. Specifically, a significant negative relationship was observed between tax avoidance (measured by the effective tax rate) and average employee wages, indicating that reduced tax burdens are associated with lower overall wage levels. Additionally, the CEO-to-employee pay ratio increases in firms with higher tax avoidance, highlighting exacerbated intra-organizational inequality. However, the standard deviation of wages was statistically insignificant, likely due to intervening factors such as firm size, industry differences, and macroeconomic conditions like inflation and GDP growth. These results underscore the need for regulatory bodies to address the indirect consequences of tax policies on organizational equity. Designing transparent compensation systems and enhancing financial transparency can mitigate the adverse effects of tax avoidance.

Keywords: Tax avoidance, wage distribution, intra-organizational compensation, CEO-to-employee pay ratio